

گروه ضمائم همشهاری ناشر نشریات:
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،
سرنخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهاری

واحد فنی:
مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، امیدو روشنگر، سعید غفوری
ویرایش عکس: کامییز نویدی
صفحه خوان: فرهاد غلامرضایی، فاطمه ناصری آلاشتی

چاپ: همشهاری
پذیرش آگهی:
۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۶۳

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهاری ۱۳ خرداد ۱۴۰۳ شماره ۱۵

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهاری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار

معاون ضمائم: پروانه بهرام‌نژاد
دبیر ویژه نامه: الناز عباسیان

تحریریه: آزاده سلطانی
مهناز عباسیان، فرناز ایزدبین
سحر غفوری و محسن ابویی

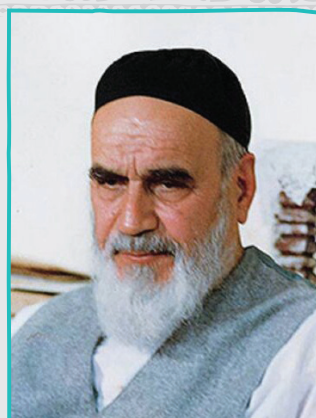


نگاهی به اهالی خانواده مصطفوی

زیر سایه امام ده



خانم خدیجه تقفی



امام خمینی (ره)



سیده صدیقه خمینی



سیده زهرا خمینی



سیده فریده خمینی



سید احمد خمینی



سید مصطفی خمینی

محمود بروجردی (همسر)

محمد حسن اعرابی (همسر)

فاطمه طباطبایی (همسر)

معصومه حائری (همسر)

مسیح بروجردی

فرشته اعرابی

سید حسن

سید حسین

سید یاسر

سیده مریم

سید علی

زهرا مصطفوی، دختر سوم حضرت امام (ره)

نصیحت امام در خصوص غیبت نکردن

خیلی کم اهل نصیحت بودند. تنها یکی دو مورد بوده که ایشان به ما نصیحت‌هایی کرده‌اند. یکی در زمان ازدواج دختر خودم بود. موقعی که خطبه عقد ایشان را خواندند و ما خصوصی خدمت ایشان بودیم به دختر من نصیحت کردند که «تو هر وقت شوهرت وارد می‌شود و دیدی خیلی عصبانی است و حتی در آن عصبانیت به تو توهمت زد و یک چیزهای خلاف گفت، تو در آن موقع به ایشان هیچی نگو. بعد از آنکه از عصبانیت افتاد، بعدها بگو این حرفت توهمت بوده است» و بعد برگشتند رو به داماد کردند و گفتند: «شما هم همینطور! اگر یک وقتی وارد شدید و دیدید ایشان عصبانی است، آن موقع تذکرات را ندهید.» خاطره دیگر در این زمینه این بود که یک‌بار آقا همه اهل خانه را صدا کردند و گفتند: «من بنا داشتم یک دفعه که همه با هم جمع هستید چیزی برای شما بگویم.» بعد گفتند: «شما می‌دانید غیبت چقدر حرام است؟» گفتیم: بله. بعد گفتند: «شما می‌دانید آدم کشتن عمدی چقدر گناه دارد؟» گفتیم: بله. فرمودند: «غیبت بیشتر!» بعد گفتند: «شما می‌دانید فعل نامشروع و عمل خلاف عفت (زنا) چقدر حرام است؟» گفتیم: بله. فرمودند: «غیبت بیشتر» منبع: در گفت‌وگو با روزنامه همشهاری

فریده مصطفوی، دختر امام (ره)

ماجرای خرج خانه امام و دارایی ایشان

در ابتدا آقا (امام) روزی ۵ تومان برای خرجی خانه کنار می‌گذاشتند و این پول را در ابتدای هر ماه به دست خانم می‌سپردند تا مدیریت ناهار و شام و وسایل منزل را بر عهده بگیرند. به یاد دارم در یکی از روزها، خانم برای خرج خانه پول کم آوردند و روی آنکه نزد آقا بروند و این مسئله را عنوان کنند، پیدا نکردند. به یاد دارم زمانی که صبحگاه به دنبال خانم بودیم، با نامهای مواجه شدیم که خانم در کمال احترام برای آقا نوشته و در آن ذکر کرده بودند: «سرور من، من پولم تمام شده است و خرج روز آخر ماه را ندارم.» این نامه را گذاشته و به منزل دوست خود، خانم کوچولو رفته بودند. زمانی که آقا نامه را خواندند، خرج روز را به زیور (شخصی که کمک مادر بود) داده و از او خواستند تا آمدن خانم، غذای روز را تهیه کنند. پس از آن از من و فهیمه خواستند تا به همراه زیور در پی خانم برویم و ایشان را بازگردانیم. زمانی که خانم به خانه بازگشتند، آقا بساط شوخی را آغاز کردند.

منبع: کتاب گذر ایام
انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

صدیقه مصطفوی، دختر ارشد امام (ره)

به مادرم می‌گفتند: من شما را برای آشپزی نمی‌خواهم

پدر از همان روزهای اول ازدواج خانم در ۱۵،۱۴ سالگی برای مادر احترام خاصی قائل بودند و به اسم، ایشان را صدا نمی‌کردند و همیشه با عنوان خانم، همسر خود را مورد خطاب قرار می‌دادند. در این زمینه خانم برای ما نقل کردند در روزهای اول ازدواج یک‌بار برای آشپزی به آشپزخانه رفتم، آقا آمدند و دست مرا گرفتند و گفتند: من شما را برای آشپزی نمی‌خواهم. من شما را برای خانمی در خانه می‌خواهم و از این رو ایشان همواره در خانه کمکی داشتند که آنها غذا می‌پختند و خانم فقط برای کشیدن غذا به آشپزخانه می‌رفتند و ما دخترها سفره را می‌انداختیم. خانم می‌گفت: مشغول خوردن شوید، اما آقا و بالطبع ما تا خانم سر سفره نمی‌آمدند دست به غذا نمی‌زدیم. منبع: پرتال امام خمینی (ره)